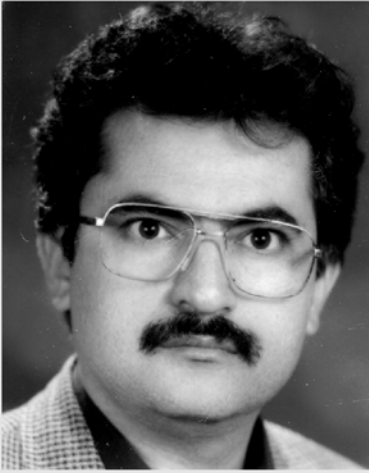


## سید محمود حسینی



می توانند کمک شایانی به بهره‌برداران آب زیرزمینی در زمینه‌های مختلف بنمایند. این زمینه‌ها شامل تخمین مقادیر پارامترهای کیفی در نقاط با اطلاعات نامعلوم و نیز توانایی ارزیابی عملکرد شبکه‌های پایش کیفی آب زیرزمینی می‌باشند.

اطلاعات مربوطه از تجزیه و تحلیل تعداد ۹۲ حلقه چاه آب شرب در شهر مشهد و بر اساس آخرین نمونه‌گیری سال ۱۳۷۹ به دست آمده‌اند، می‌پردازد. نتایج نهایی حاصل از تحقیق به صورت نقشه‌های هم‌تراز از مقدار پارامترهای کیفی یادشده و خطای برآورد آنها ارائه می‌شود.

ویژگی‌های عمده پروژه: تهیه نقشه‌های هم‌تراز از پارامترهای کیفی آب زیرزمینی، بر امر تعمیم اطلاعات از نقاط نمونه برداری (چاه‌ها) به سایر نقاط در یک محدوده خاص استوار است، لذا این تعمیم باید با احتیاط کامل، خصوصاً به نقاطی که دور از نقاط اندازه‌گیری هستند صورت گیرد. در این تحقیق، روش‌های با قابلیت تولید مجدد، سیستماتیک و متکی بر دیدگاه‌های زمین‌آماری در امر تهیه نقشه‌های هم‌تراز از مقدار و خطای برآورد پارامترهای کیفی به کار گرفته شده‌اند. این نقشه‌ها و تخمین‌ها

نام و نام خانوادگی: سید محمود حسینی  
دانشکده: مهندسی  
مرتبه علمی: استادیار  
رشته تخصصی: عمران (آب و هیدرولیک)

همکاران طرح: دکتر بیژن قهرمان و مهندس حمیدرضا عسگری  
عنوان پروژه: تجزیه و تحلیل زمین‌آماری و تهیه نقشه‌های کاربردی از پارامترهای کیفی آب زیرزمینی مشهد  
اعتبار پروژه: چهل و دو میلیون و پانصد هزار ریال  
مدت اجرای پروژه: ۱۲ ماه  
طرف قرارداد: شرکت آب و فاضلاب مشهد

وضعیت طرح: تصویب شده است

خلاصه پروژه:

این پژوهش، با استفاده از علم زمین‌آمار به بررسی تغییرات مکانی نیترات، کلرور، هدایت الکتریکی و سولفات موجود در آب زیرزمینی مشهد، که

ادامه از صفحه ۳۴

پراکنده‌گویی و گسستگی مطالب، فقدان انسجام و وحدت و بالاخره عدم ارتباط با زندگی و دنیای کنونی متصف کرده‌است. سپس به دو توجیهی که از سوی ناقدان قدیم در دفاع از این نحوه ساختار ارائه شده - و چندان چنگی به دل نمی‌زند - اشاره کرده‌اظهار داشت: یا باید شیوه قدما را در توجیه این ناهمگونی درونی قضاید - که مبتنی بر یک لایه‌نگری در شعر و ادب است - بپذیریم و یا شاهد مرگ شاهکارهای ادبی باشیم - که آن هم با طبیعت ادبیات که پدیده‌ای زنده و پویانده و بالنده‌است، سازگار نیست - و یا آنکه طرحی نو در اندازیم.

پیشنهاد سخنران، مبتنی بر دوری جستن از یک لایه‌پنداری و یک بعدنگری و وضوح‌گرایی در ادبیات است: هر اثر هنری از آن رو که چند لایه‌است و نوبطون، همیشه زنده و تازه و سرافراز باقی می‌ماند؛ آنچه رفتنی است برداشتها و تفسیرها و تأویلهاست. از سویی ناقدان و ادب‌شناسان‌اند که با تحلیل و تفسیر خود، یک اثر هنری را بارور می‌سازند و در

اعماقش به غواصی می‌پردازند. در برخورد با ادبیات قدیم هم - بسان سایر آثار هنری - باید بپذیریم که اولاً علوم انسانی بیش از دیگر فنون در معرض تطور و تحول است؛ و ثانیاً باید با نمونه‌های برتر و مایه‌ور ادبیات بیشتر آشنا شویم و با آنها مصاحبت - بلکه زندگی - کنیم؛ ثالثاً نباید نقش و کارایی اسطوره‌ها را - که بن مایه معرفت و آگاهی انسانهای نخستین را تشکیل می‌دهد و نمایانگر تفسیر و توجیه آنها از پدیده‌های هستی است و محمل آرمانها و آرزوهای ناب‌آورده آنان است - فراموش کرد. که اگر با این مقدمات به سراغ آثار ادبی برویم در واقع، غبار از چهره ادبیات قدیم زوده‌ایم و جاودانگی شاهکارهای ادبی و تپش قلب آنها را در طول زمان به شایستگی توجیه کرده‌ایم و ارتباط تنگاتنگ سرمایه‌های ادبی و هنری را با نیازها و خواسته‌های روانی و احساسی و وجدانی انسانهای هر عصر، به خوبی نمایانده‌ایم.

سخنران در ادامه بر پایه نظریه پیشنهادی خود، معلقه امرئ القیس را به

عنوان نمونه‌ای بارز از قصاید جاهلی که نظامی به ظاهر از هم گسیخته دارد و پنج مقوله ظاهراً بی‌ربط را در خود فراهم آورده مورد تفسیر و تحلیل قرار داده نشان داد که چگونه با این نگاه‌اجزای به ظاهر بیگانه قصیده با هم آشتی می‌کنند و زنجیروار از آغاز تا پایان به هم می‌پیوندند و همگی گرد یک محور حرکت می‌کنند به گونه‌ای که وحدت عضوی قصیده قابل اثبات است. در پایان سخنران نتیجه گرفت که:

۱- ادبیات ابعاد و لایه‌های مختلف دارد و در محدوده مفهوم قاموسی لغات و منطوق تنگ الفاظ نمی‌گنجد

۲- ادبیات شکوهمند، خزان ندارد و این برداشتها و تفسیرهای مقطعی و تک بعدی از آن است که دیر نپاید.

۳- ادیب و هنرمند، شبجسی مجمل از ابعاد محصول خود را در ذهن دارد و عمیقاً به همه زوایای آن آگاه نیست.

۴- بالندگی شاهکارهای ادبی پس از مرگ هنرمند شروع می‌شود؛ زیرا این شرایط زمان، تاریخ و نقد ناقدان است که ذخیره‌های ادبی و هنری را بارور می‌کند و ابعاد آن را می‌نمایاند.